

# سهام اسلام

## در پیدایش تمدن غرب

بחי که مطالعه آن برای مسلمانان و غیر مسلمانان هر دو لازم است

دانشهای بشری در آغاز قرون وسطی نخست توسط مسلمانان ترجمه شد و به عالم اسلام راه یافت، و آنگاه پس از تعمیم و توسعه آن، از شرق و جهان اسلامی به دنیای غرب رفت، و مبداء تحول اساسی تمدن غرب و ملل اروپائی گردید.

راجع به این موضوع در خلال کتابها و نوشته‌های خودی و بیگانه سخنها به میان آمده است. در بعضی از شماره‌های مکتب اسلام نیز در گذشته بمناسبت ابجائی که دوستان یا خود اینجانب داشته‌ایم، مقالاتی انتشار یافته است؛ ولی آنچه بخواست خداوند در این خصوص آغاز می‌گردد، چیزی است، که از هر جهت تازگی دارد.

### سهام اسلام در پیدایش تمدن غرب

سلسله مقالاتی است که بطوری نوین در این باره نگاشته شده، و در معرض افکار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد. بطوری که خواهیم دید دانشمندان منصف غربی و صاحب نظران بی طرف اروپائی، اعتراف دارند آنچه فعلا در غرب هست؛ محصول افکار و زحمات شرق است، و تمدن اروپائی مدیون تمدن اسلامی است و از سرچشمه آن سیراب شده است.

پیش از آنکه راجع به ترجمه علوم بیگانه و تکمیل و تهذیب آن به وسیله دانشمندان اسلامی و کیفیت انتقال آن به دنیای غرب که منشأ انقلاب علمی و صنعتی جدید گردید، سخن

بگوئیم ، لازم است به دو نکته اساسی توجه داشته باشیم .

### علوم اصیل اسلامی

قبل از اینکه مسلمانان با دانشهای بیگانه آشنا شوند ، یعنی يك قرن و نیم بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) پایه های ایمان مسلمانان چنان بود که موج علوم و فنون بیگانه نتوانست کوچکترین خللی در ارکان آن پدید آورد . و اعتقاد مسلمین رانسبت به آئین و ملیت خود متزلزل سازد . آشنائی مسلمانان با کتاب آسمانی خود «قرآن» و انتشار احادیث پیامبر «سنت» توسط «صحابه» و شاگردان آنها «تابعین» و وارثان ایشان «تابعان تابعین» که بعدها فقها و محدثین خوانده شدند ، و در مکتب تشیع با ارتباط افراد ذبده صحابه و تابعین و فقهای بعدی ، با ائمه طاهرین (ع) آنچنان چشم و گوش دول مسلمانان از تعالیم اسلام مالمال شده بود ، که نتوانستند چون سدی نیرومند در مقابل رخنه علوم بیگانه قرار گیرند .

مسلمانان در سایه قرآن و گفتار پیامبر در تشریح موضوعات آن ، تا اواسط قرن دوم هجری ، چندین رشته علمی را پدید آوردند ، که ما آنها را «علوم اصیل اسلامی» می دانیم . این دانشها که تا آن تاریخ یعنی در زمان حکومت منصور خلیفه عباسی یعنی در عصر امام جعفر صادق (ع) ، در سراسر دنیای اسلام مخصوصاً حجاز و عراق و مصر و سوریه و اسپانیای اسلامی (اندلس) رواج داشت ، به ترتیب عبارت بود از : علم حدیث ، علم فقه ، علم تفسیر ، علم تاریخ ، علم نحو صرف علم فرائت (چگونگی تلاوت کلام الله مجید) علم اصول فقه . بعلاوه در این رشته های علمی مکتبها به وجود آمد ، و دانشمندان اسلامی کتابها نوشتند که هم اکنون فهرست آن و حتی برخی از آنها را در اختیار داریم .

بنابراین هنگام ترجمه و انتقال علوم یونانی و ایرانی و هندی به عالم اسلامی ؛ از نظر عقیدتی بی ریزی محکمی بعمل آمده بود که نه تنها اسلام نتوانست استقلال خود را در مقابل علوم بیگانه بخوبی حفظ کند ، بلکه با وسعت نظر و آزادی فکر و شهادت قابل تحسینی به تعمیم و توسعه آن پرداخت . و آنرا به کمال رسانید ؛ و برای آیندگان به ارث گذاشت .

### زبان عربی و نقش آن در ترجمه علوم بیگانه

اقدام مسلمانان در انتقال علوم بیگانه یعنی ترجمه کتب منطق و فلسفه و پزشکی و هندسی و ریاضی و هیئت و نجوم و تاریخ و ادب ؛ هنگامی انجام گرفت که زبان و ادبیات ریشه دار و غنی مسلمین به اوج کمال و پختگی خود رسیده بود . در حقیقت زبان جامع عربی در سطحی قرار داشت که خود مهمترین عامل برای ترجمه آسان ؛ دانشها و زبانهای دیگران بود . دانشمند مشهور و معاصر غربی «جورج سارتن» که اصلاً از مردم بلژیک بود و سپس تبعه

آمریکا گردید ، و از صاحب نظران طراز اول تاریخ علم و سپردانش بشری بشمار می رود ، و وسعت دانش و قدرت ینش او را در کتابهای «تاریخ علم» و «شش بال علم» و «سرگذشت علم» و سایر آثار وی بخوبی می بینیم . در کتاب ، اخیرش مینویسد : «وحدت زبان و نیروی ایمان موجب شد که عقاید و افکار با سرعتی عجیب در سراسر قلمرو اسلام نشر یابد» (۱)

مترجم کتاب وی در مقدمه مینویسد : «استاد سارتن در ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۲ در خاور نزدیک و شمال آفریقا بسر برد و به فرا گرفتن زبان عربی و آشناس شدن به تمدن عمیق اسلامی پرداخت» نظر به اینکه با «جرج سارتن» و آثار او زیاد کار داریم ، و از همین شماره نیز قسمتی از نظریه و اعترافات او را نقل می کنیم ، بدنیست خوانندگان با وی بیشتر آشنا شوند . در مقدمه سرگذشت علم میخوانیم : از زمره کسانی که کمر همت به خدمت تاریخ علم بسته اند دکتر جرج سارتن استاد کرسی تاریخ علم در دانشگاه معروف «هاروارد» است . از خصایص این مرد بزرگ که کارهای او توجه دانشمندان جهان را به خود معطوف ساخته است ، جنبه انصاف و حق جوئی اوست . وی کوشیده است که سهمی را که ملل شرق در تمدن امروز دارند ، و خدماتی را که در راه پیشرفت بسوی این تمدن درخشان کرده اند ، به موطنان خود ، بلکه به جهانیان بشناساند» (۲)

جرج سارتن در کتاب یاد شده راجع به تأثیر زبان عربی و فرهنگ اسلامی در رواج دانش بشری مینویسد : فرهنگ اسلامی در عین حال یکنواخت و بسیار متنوع بود . اقدام مسلمانان به وسیله دو قوی ترین عاملی که ممکن است يك اجتماع بشری را محدود سازند : یعنی مذهب و زبان بایکدی بگرمربوط و از اقوام دیگر جدا بودند .

کوچکترین وظیفه هر مسلمان با سواد تلاوت کلام الله مجید است که به زبان عربی است . بر اثر تکلیف مذهبی ، زبان عربی که پیش از ظهور پیغمبر ، زبان محلی بود ، در اطراف جهان پراکنده شد و بسط یافت . . . در زبان عربی تنها نمونه فصاحت قرآن است ؛ و نوشته متقدمان برای دیگر نویسندگان نمونه و سرمشق است» (۳)

و باز مینویسد : «نمونه قدرت تصور فرهنگ اسلامی را میتوان در انتشار زبان عربی یافت» (۴) میدانیم که مترجمان علوم یونانی اغلب مسیحیان و یهودیان بودند که زبانهای سریانی و عبری داشتند ، و از یونانی هم با اطلاع بودند . اینان باز زبان عربی چون زبان مادری سخن می گفتند و

۱ - سرگذشت علم - ترجمه فارسی صفحه ۲۲۲

۲ - سرگذشت علم - صفحه ۵

۳ - سرگذشت علم - صفحه ۲۲۴

۴ - سرگذشت علم - صفحه ۲۲۷

چیزی نوشتند .

سارتن مینوسد : تا قرن دوازدهم میلادی «عربی» زبان فلسفی و علمی یهودیان بود ، و بزرگترین رساله یهودی قرون وسطی بنام «دلالة الحائرين» تألیف ابن میمون (موسی بن میمون) به زبان عربی بود . بعلاوه نخستین کتابهای صرف و نحو عبری به زبان عربی است نه عبری ! خلاصه یهودیان قرون وسطی چنان عرب مآب شده بودند که برای فهم زبان مادری خود احتیاج به زبان عربی داشتند» (۱)

و مینویسد : «بجرات میتوان گفت که از اواسط قرن هشتم (میلادی) تا اواخر قرن یازدهم اقوام عربی زبان و عیسویان و یهودیانی که پیروان آنان بودند، پیش از آن تمدن بشری به شمار می رفتند. در نتیجه جدوجهد آنان زبان عربی نه فقط زبان قرآن و وسیله بیان احکام دینی شد، بلکه زبان بین المللی علمی و گردونه ترقی بشر گردید، همچنانکه امروز برای فردشرفی ، نزدیکترین راه و وصول به علم ، تسلط داشتن بر یکی از زبانهای مهم غربی است ، در چهارقرنی که گفتیم ، تنها کلید گنجینه علوم زمان؛ دانستن زبان عربی بود» ؛ (۲)

### اسلام و طرفداری از علم

از آنچه گفته شد، نتیجه می گیریم که مسلمانان در سایه آئین جهانی و ادبیات وسیع خود که قرآن مجید در سر لوحه آن قرار داشت، نخست خود دست به ابتکار و تأسیس علوم و آداب و رسوم زدند که از هر جهت بی سابقه بود و سپس در آغاز نیمه دوم قرن دوم هجری به ترجمه و اقتباس بهترین قسمت های دانش بشری پرداختند .

لیکن آنچه برخی می پندارند و در نوشته های عده ای از غربیان می خوانیم ، اسلام هیچگونه مبارزه ای با علوم و فنون دیگران نداشته است . اسلام درهای دانش و معارف بشری را به روی پیروان خود باز گذاشت ، و به آنها دستور داد که از گهواره تا گوردانش بجویند ، و برای جستجوی علم بهمه جاسفر کنند و لو تا چین یعنی اقصی نقاط دنیای آنروز باشد .

هیچ مانعی نه در قرآن و نه در سخنان پیامبر ، برای بهره برداری از ثروت علمی دیگران دیده نمیشود، بلکه از دانش دیگران که ممکن است مایه پیشرفت مسلمانان باشد؛ تشویق هم بعمل آورده است ( به شرحی که در شماره آینده خواهیم گفت )

۱ - سرگذشت علم - صفحه ۲۲۶

۲ - سرگذشت علم - صفحه ۲۲۹